

مقاله پژوهشی: تبیین تأثیرات جنبه‌های اقتصادی «توافق ابراهیم» بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا کمالی^۱، امیرحسین الهامی^۲، بابک نبی‌زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

چکیده

در فضای منازعه میان دو کشور، کنش‌های بازیگر رقیب بر مبنای مؤلفه‌های تهدید امنیت ملی بازیگر دیگر قلمداد شده و واکنش متقابل را برمی‌انگیزد. در این ارتباط، تحرکات رژیم اشغالگر قدس در برقراری روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس در قالب «توافق ابراهیم»، یکی از تهدیدات امنیت ملی ج.ا.ایران محسوب می‌گردد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر به این قرار است که: تأثیر جنبه‌های اقتصادی توافق ابراهیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر عادی‌سازی روابط کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی ج.ا.ایران است. این مطالعه با اتخاذ رویکرد فراترکیب به تحلیل متون علمی موجود در این زمینه پرداخته است. در گام اول، با رویکرد مرور نظام‌مند ادبیات، ۸۷۵ مستند اولیه (با لحاظ نمودن معیارهای ورود و خروج) بررسی گردید و در نهایت، ۲۲ مستند نهایی مبنای تحلیل قرار گرفت. تحلیل از طریق اجرای سه‌گام کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) بر روی مستندات انجام گرفت. نتایج تحقیق مشخص کرد تأثیر روابط اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی ج.ا.ایران، در چهار حوزه اصلی امنیت ملی معنادار و قابل اعتنا است. این حوزه‌ها شامل: «مؤلفه جایگاه رهبری و ولایت فقیه در امنیت ملی»، «اتحاد و همبستگی ملی»، «خودکفایی و قدرت اقتصادی ج.ا.ایران» و «قدرت دفاعی و نظامی» است.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، توافق ابراهیم، کشورهای عرب، حوزه خلیج فارس، ج.ا.ایران.

۱. استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی (نویسنده مسئول) iran_babi@yahoo.com

۱. مقدمه

تلاش رژیم صهیونیستی برای برقراری ارتباط و توسعه مناسبات با کشورهای عربی محدود به دو کشور مصر و اردن نگردید و طی سالیان گذشته، این رژیم تلاش گسترده‌ای را صرف توسعه و تعمیق روابط با کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نمود. یکی از عوامل مهم در همگرایی و همکاری میان کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی و امارات متحده با رژیم صهیونیستی، مقابله با قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این منطقه است. جهت دستیابی به این هدف، کشورهای عرب این منطقه با همراهی رژیم صهیونیستی نیز راهبردهای خود را در کشورها و مناطقی مانند عراق، سوریه و یمن هم‌راستا نمودند. این همکاری در واقع برای مقابله با تهدید مشترک پیش‌روی این طرف‌ها می‌باشد که با عنوان «محور مقاومت» شناخته می‌شوند که ج.ا.ایران نقش کلیدی در آن ایفا می‌کند.

زمینه‌های همکاری رژیم صهیونیستی با این کشورها اغلب در زمینه‌های امنیتی و دفاعی بوده و دارای وضعیتی مخفیانه، غیررسمی و مقطعی است. به‌عنوان مثال، در سال‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی، مشاوره‌های امنیتی بسیاری به کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده داده و در کنار آموزش نیروهای امنیتی این کشورها، سامانه‌های امنیتی پیشرفته در اختیار آنان قرار می‌دهند (زه‌دی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۳). با این حال، روابط بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی محدود به توافقات امنیتی و دفاعی نمی‌گردد. پس از پیمان موسوم به «صلح ابراهیم»، علی‌رغم مخالفت فلسطینیان تاکنون چندین توافقنامه دوجانبه در زمینه سرمایه‌گذاری، گردشگری، پروازهای مستقیم، امنیت، ارتباطات و... به امضا رسیده است.

آمارها نشان می‌دهد میزان تجارت دوجانبه در هفت‌ماهه اول سال ۲۰۲۱م. در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۲۳۴ درصد افزایش یافته است. در این میان، تجارت رژیم صهیونیستی با امارات متحده عربی از ۵۰.۸ میلیون دلار بین ژانویه تا جولای ۲۰۲۰م. به ۶۱۳.۹ میلیون دلار در مدت مشابه ۲۰۲۱م. افزایش یافته است. بر اساس داده‌های منتشر شده، تجارت رژیم صهیونیستی با مراکش (در خارج از این حوزه) از ۱۴.۹ میلیون دلار به ۲۰.۸ میلیون دلار افزایش یافت. همچنین تجارت با اردن در سال ۲۰۲۱م. از ۱۳۶.۲ میلیون دلار به ۲۲۴.۲ میلیون دلار افزایش داشته و تجارت با مصر نیز از ۹۲ میلیون دلار به ۱۲۲.۴ میلیون دلار افزایش پیدا کرد (ایلنا، ۱۴۰۰).

فارغ از بررسی اهداف و ابعاد روند عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی، افزایش حضور اقتصادی، سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس بر منافع و امنیت ملی

ایران اثرگذار خواهد بود. بنابر دیدگاه محمدی^۱ (۱۳۹۶)، امنیت ملی در ۴ حوزه قابل بررسی است که عبارت‌اند از:

- (۱) (جایگاه) رهبری و ولایت فقیه،
- (۲) اتحاد و همبستگی ملی،
- (۳) خودکفایی و قدرت اقتصادی،
- (۴) قدرت دفاعی و نظامی.

از دیدگاه وی، آسیب امنیت ملی می‌تواند درونی و یا بیرونی باشد که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند؛

الف. از جمله آسیب‌های درونی امنیت ملی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

(۱) آسیب‌های فرهنگی:

- غرب زدگی،
- دوری از معنویت،
- فساد اخلاقی و...

(۲) آسیب‌های مدیریتی:

- باندا بازی،
- رانت خواری،
- قدرت طلبی،
- ضعف مدیریت و...

(۳) آسیب‌های سیاسی:

- گرایش سازش با امریکا،
- بی‌اعتمادی مردم به مسئولان،
- تفرقه،
- اختلاف در کارگزاران و...

(۴) آسیب‌های اقتصادی:

۱. مصطفی محمدی (کارشناس مسائل سیاسی) دارای مقالات متعددی در حوزه امنیت ملی و مؤلفه‌های مرتبط با آن می‌باشد. شناسایی و عملیاتی‌سازی مؤلفه‌های امنیت ملی در این مقاله، از دیدگاه ایشان (محمدی، ۱۳۹۶) انجام یافته است. برای دسترسی به دیدگاه‌ها و آثار وی در زمینه امنیت ملی بنگرید به: shorturl.at/ryBR7

- تورم،
- گرانی،
- اختلاس،
- تجمل‌گرایی و...
- (۵) آسیب‌های اجتماعی:
- قاچاق،
- مواد مخدر،
- فساد اداری و...

ب. از جمله آسیب‌های بیرونی امنیت ملی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) گسترش حوزه نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه،
- (۲) طرح‌های سلطه‌طلبانه رژیم صهیونیستی،
- (۳) حمایت کشورهای غربی از تروریسم در منطقه،
- (۴) بهره‌گیری از رسانه‌ها در جنگ روانی علیه ج.ا.ایران (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۲).

البته این تاثیرات از یک کشور با کشور دیگر متفاوت است و به سطح و نوع روابط ایران با اعضای شورای همکاری از یکسو و میزان ارتقای روابط رژیم صهیونیستی با این کشورها از سوی دیگر بستگی دارد. با در نظر گرفتن چنین معیاری، ج.ا.ایران بیشترین روابط اقتصادی را در میان اعضای شورای همکاری با امارات دارد و باید توجه ویژه خود را به این کشور معطوف کند؛ زیرا ارتقای همکاری‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی ابوظبی و تل‌آویو برای منافع ایران می‌تواند تهدیداتی به‌همراه داشته باشد (بورسان، ۱۴۰۱). بنابراین مشاهده می‌گردد رژیم صهیونیستی در کنار مقاصد امنیتی، سیاسی و دفاعی، مقاصد اقتصادی متنوعی را پگیری می‌نماید که این مقاصد می‌توانند در تلاقی با منافع امنیت ملی محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران باشد. از این رو، نگارندگان در مطالعه حاضر خواستار تبیین تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر امنیت ملی ج.ا.ایران می‌باشد. بنابراین، با این پرسش‌ها وارد جریان پژوهش می‌گردیم:

الف. پرسش اصلی

(۱) تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر امنیت

ملی ج.ا.ایران چیست؟

ب. پرسش‌های فرعی

- (۱) تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر مؤلفه جایگاه رهبری و ولایت‌فقیه امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟
- (۲) تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر مؤلفه اتحاد و همبستگی ملی امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟
- (۳) تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر مؤلفه خودکفایی و قدرت اقتصادی امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟
- (۴) تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر مؤلفه قدرت دفاعی و نظامی امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟
- (۵) راهبردهای مقابله با آثار روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر امنیت ملی ج.ا.ایران کدامند؟

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

بر سیاق تحقیقات فراترکیب، مجموعه معتبر و مرتبط‌ترین یافته‌های تحقیقات علمی پیشین، مبنای گردآوری و تحلیل داده‌ها، اطلاعات و نیز تجزیه و تحلیل آن‌ها قرار خواهند گرفت. بر این اساس، بخش عمده‌ای از مبانی نظری، مطابق الزامات این روش تحقیق تدوین گردیده است.

۱-۲. ادبیات تجربی؛ مشتمل بر مرور ادبیات و پیشینه‌های تحقیق

پیرمحمدی و طاهری در مقاله مشترکی تحت عنوان «تأثیر توافق ابراهیم بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ» (۱۴۰۱) به این نتیجه دست یافتند که آثار و عواقب امنیتی-اطلاعاتی چنین توافقی بر امنیت منطقه‌ای ج.ا.ایران و محور مقاومت را می‌توان در قالب موارد زیر مورد توجه قرار داد:

- (۱) تشدید معادله امنیتی در خلیج فارس،
- (۲) ائتلاف‌سازی دریایی علیه ج.ا.ایران؛
- (۳) افزایش مسابقه تسلیحاتی،
- (۴) افزایش جاسوسی از محور مقاومت،
- (۵) برهم خوردن موازنه قوا در خلیج فارس.

مددی در مقاله «چارچوبی برای شناخت عادی‌سازی دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن» (۱۳۹۹) به این نتیجه دست‌یافته است که یکی از دلایل مهم دولت‌های عربی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در گذشته و مقطع کنونی، جلب رضایت ایالات متحده آمریکا از یک سو و تحت فشار قرار دادن ج.ا.ایران از سوی دیگر بوده است و از این منظر، همواره سیاست تضعیف ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا دنبال می‌شده است.

زه‌دی‌نسب و همکاران در مقاله مشترکی با عنوان «سیاست دفاعی ج.ا.ایران در مقابل همکاری‌های احتمالی دفاعی رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی» (۱۳۹۹) نیز ۹ مورد از سیاست‌های دفاعی ج.ا.ایران در مقابل همکاری احتمالی این کشورها را احصاء کردند که از آن سه سیاست در اولویت قرار گرفتند:

(۱) «توسعه توان دورایستایی، خوداتکایی و خودکفایی در تولید تجهیزات دفاعی برترساز با توان بازدارندگی مؤثر»،

(۲) «افزایش عمق دفاع راهبردی فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور»،

(۳) «حمایت از جبهه مقاومت و تقویت نظریه مقاومت در بین کشورهای مسلمان منطقه».

زارعان در مقاله «تأثیر عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت» (۱۳۹۸) نتیجه گرفته است «افزایش ضریب تهدید علیه جبهه مقاومت»، «افزایش سطح منازعه به دلیل ناتوانی عربستان و رژیم صهیونیستی در مدیریت منازعه» و «سرعت گرفتن روند سازش» سه تهدید عمده‌ای هستند که عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی برای جبهه مقاومت به وجود آورده‌اند.

۲-۲. ادبیات نظری

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأمین هدف مهم ایجاد تمدن نوین اسلامی را جز با اتحاد شیعه و سنی ممکن ندانستند و چنین بیان کردند:

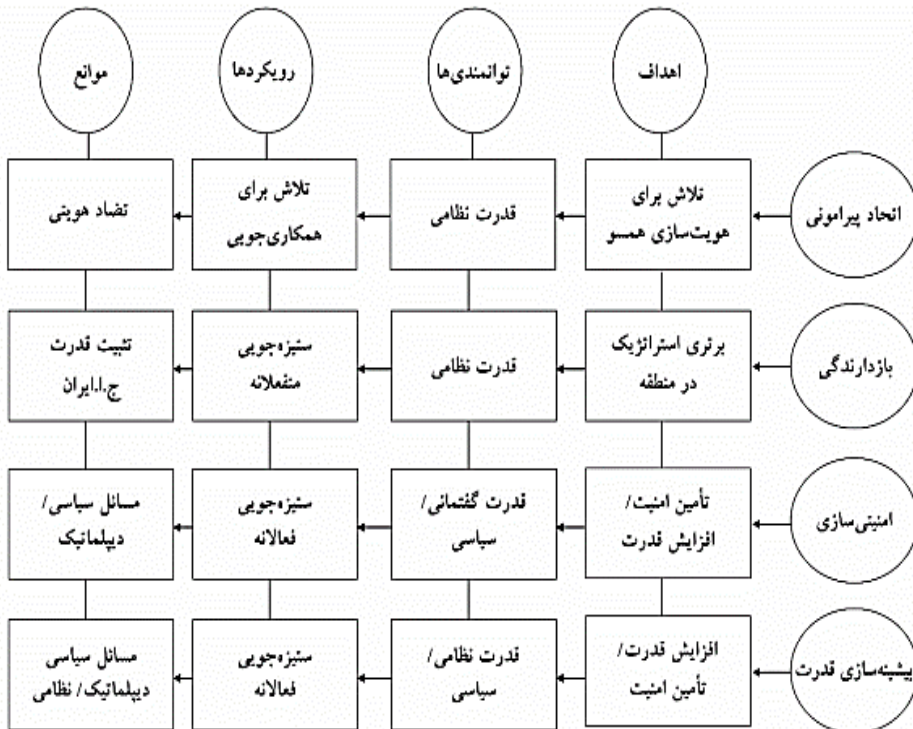
«شاخص اصلی برای اتحاد مسلمانان، قضیه فلسطین است و هرچه جدیت بیشتری برای احیاء حقوق فلسطینیان به خرج داده شود، اتحاد اسلامی تقویت می‌شود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰).

ایشان، اقدام بعضی دولت‌های منطقه برای عادی‌سازی روابط با رژیم غاصب صهیونیستی را

گناه و خطایی بزرگ توصیف می‌نمایند:

«این دولت‌ها باید از این حرکت و راه ضد وحدت اسلامی برگردند و خطای بزرگ خود را جبران کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰).

ضرغامی و همکاران، «ایران‌هراسی» را به‌عنوان محور اصلی در راهبرد منطقه‌ای رژیم صهیونیستی شناسایی نموده است. تل‌آویو با استفاده از کمک‌های آمریکا در تلاش برای جلب همکاری کشورهای عربی است تا یک ائتلاف عبری-عربی-غربی را علیه ج.ا.ایران ایجاد نماید تا به کمک آن بتواند فشارهای زیادی را علیه ایران تحمیل کند. در واقع، آنچه باعث نگرانی رژیم صهیونیستی شده است، راهبرد هسته‌ای ایران نیست، بلکه نفوذ ج.ا.ایران در منطقه است که در سند امنیت ملی سال ۲۰۲۰ رژیم صهیونیستی به آن اشاره شده است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۳). احمدی معتقد است سیاست تقابلی رژیم صهیونیستی و ج.ا.ایران همواره از سوی طرفین دنبال شده است (احمدی، ۱۳۹۸). وی نمودار زیر را برای مدل مفهومی راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال ج.ا.ایران پیشنهاد می‌نماید.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال ج.ا.ایران (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۹)

«تریمین»^۱ معتقد است اخیراً نسل جدیدی از گروه‌های تروریستی (مقاومت) تحت حمایت دولت‌ها ظهور کرده است. حماس (جنبش مقاومت اسلامی) که مخالف توافق صلح سپتامبر ۱۹۹۳ بین اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و ساف است، در سال ۱۹۹۲م. با ایران ائتلاف کرد. اضافه شدن گروه‌هایی مانند سپتامبر سیاه، جبهه مردمی برای آزادی فلسطین، الفتح (مسئول عملیات چریکی)، و شورای انقلابی فتح نیز تلاش‌ها برای خاموش کردن تروریسم (مقاومت) در خاورمیانه [غرب آسیا] را خنثی کرده‌اند. در سال‌های نگارش گزارش مذکور، تنها یک رهبر و آن‌هم صدام حسین، مانند رهبران پیشین عرب، نظامی بود و بر این عقیده مصمم بود که منافع اعراب را در منطقه نمایندگی کند. با این حال، رفتار غیرمنطقی او مانع از شکل‌گیری یک ائتلاف واقعی عربی شده بود. در چنین وضعیتی، ناسیونالیسم عربی به میزان قابل‌توجهی از بین رفته و رهبران کشورهای عرب منطقه در مورد اینکه آیا اسرائیل [رژیم صهیونیستی] تهدیدی بزرگ‌تر از ایران است یا خیر، اختلاف نظر داشته‌اند (تریمین، ۱۹۹۸: ۲۰-۱۶).

«عمران» و همکاران^۲ معتقد هستند آغاز همکاری بین دو بازیگر منطقه‌ای (عربستان و رژیم صهیونیستی) مفهومی چندوجهی است و از اشتراک اطلاعاتی تا همکاری اقتصادی را شامل می‌شود. این روابط می‌تواند به‌طور بالقوه تهدیدی برای ج.ا.ایران باشد؛ زیرا همکاری در تبادل اطلاعات ممکن است به عملیات مشترک پیچیده‌تری علیه نیروهای تحت حمایت ایران در منطقه منجر شود. علاوه بر این، عربستان سعودی ممکن است به‌عنوان میانجی بین اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و سایر کشورهای خلیج فارس عمل کند و از این رو، تأثیر ایران را حتی در داخل شورای همکاری خلیج فارس محدود نماید. همچنین، بهبود روابط بین این دو، ممکن است به راه‌حلی برای مسئله فلسطین نیز منجر شود، زیرا عربستان سعودی می‌خواهد مقامات رژیم صهیونیستی را در برابر منافع ایران از طریق اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی متقاعد کند.

از این رو، عربستان سعودی ممکن است موفق شود تل‌آویو را متقاعد کند که ارائه راه‌حل مناقشه فلسطین، ایران را از دستیابی به بهانه‌ای که برای جذب نیروهای نیابتی بیشتر در منطقه استفاده می‌کند، بی‌نصیب سازد. این اتحاد، حتی در ماهیت پنهان، ممکن است فرصتی برای ایران باشد. ایران خود را محور مقاومت در برابر تجاوزات و بی‌عدالتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در

1. R. L. Tremaine
2. S. Imran, S. Bacha, & Z. Khan

منطقه می‌داند. از این رو، ارتباط بین تل‌آویو و ریاض ممکن است فرصتی دیگر به ایران بدهد تا از احساسات مذهبی میلیون‌ها مسلمان با برچسب‌زدن به عربستان سعودی به‌عنوان دوست رژیم صهیونیستی، بهره‌برداری کرده و از حمایت مردمی در عربستان سعودی منتفع گردد. مهم‌تر از همه، قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه در کنار ج.ا.ایران خواهند بود؛ زیرا آن‌ها حاضر نیستند در مورد ثبات ایران به‌عنوان منافع خودشان مصالحه کنند (عمران و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۹۸).

در دیدگاه «هیوز»^۱، ایران و حزب‌الله خواهان مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی در سوریه و سایر نقاط خاورمیانه [غرب آسیا] بودند. این امر باعث گردید رئیس‌جمهور وقت آمریکا (ترامپ)، موضع سختی علیه آن اتخاذ کند. خروج او از توافق هسته‌ای او با ما با ایران، برخی ناظران را به این نتیجه رساند که او اقدامی را آغاز کرده است که هدف آن، منزوی کردن ایران و مقامات فعلی آن است. به نظر می‌رسد روابط آمریکا با عربستان سعودی شبیه روابط ایران است. اگرچه این روابط به خوبی آغاز شد، اما اتهامات آمریکا علیه عربستان سعودی در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، زمانی که تحریم نفت شاهد افزایش قیمت نفت، کاهش عرضه و کاهش اعتماد بین دو کشور بود. سعودی‌ها نفت را به ابزاری بدل کردند تا آمریکا مجبور به کاهش حمایت خود از رژیم صهیونیستی نماید (هیوز، ۲۰۱۹: ۴).

اسرائیل [رژیم صهیونیستی] در اوایل تأسیس خود موفق شد «دکترین پیرامونی»^۲ را با کشورهای غیرعربی برای حفاظت از امنیت ملی خود ایجاد کند که از جمله آن‌ها ایران و گروه‌های خاصی در کشورهای عربی بود. از سوی دیگر، ایران گسترش پان‌عربیسم را تهدیدی قریب‌الوقوع برای تسلط بر خلیج فارس می‌دانست. با این حال، روابط مذکور پس از پایان جنگ سرد خیلی زود تیره شد. از منظر رژیم صهیونیستی، ایران نفوذ خود را در منطقه از طریق نیروهای نیابتی گسترش داد و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] برای مهار ایران، بازدارندگی را انتخاب کرد و مرتباً از شبه‌نظامیان سنی علیه نیروهای نیابتی ایران حمایت می‌کرد. در کنار آن، درحالی‌که او با ما یک استراتژی غیرنظامی را تأیید می‌کرد، رژیم صهیونیستی رویکرد خشن‌تری را ترجیح می‌داد و مقامات ایالات متحده تلاش کردند نتانیاهو را از آغاز حمله نظامی یک‌جانبه علیه ایران منصرف

کنند. با این حال، نیروهای لابی رژیم صهیونیستی در دوران دولت ترامپ موفق شدند ایالات متحده را به خروج از توافق هسته‌ای در ماه مه ۲۰۱۸ سوق دهند (ماهر^۱، ۲۰۲۰: ۱۶).

علاقه جدید به ایجاد روابط با اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و شخصیت‌های یهودی در ایالات متحده در میان همه اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، عمان و کویت مشهود است. نزدیکی رژیم صهیونیستی و کشورهای خلیج فارس، بیش از هر چیز، منعکس‌کننده تصور مشترک از ایران به عنوان دشمن است. یکی دیگر از عناصری که کشورهای خلیج فارس را به آشتی سوق می‌دهد، خستگی دیپلماتیک است که از بیش از هفتاد سال جنگ با رژیم صهیونیستی در حمایت از فلسطینی‌ها به وجود آمده است. چالش پیش‌روی رهبران خلیج فارس این است که چگونه با اسرائیل [رژیم صهیونیستی] تعامل کنند بدون اینکه فلسطینی‌ها را نادیده بگیرند (فرزیگر و باگات^۲، ۲۰۲۰: ۴).

در نتیجه اقدام عربستان سعودی، کمیته وزرای خارجه اتحادیه عرب در ماه مارس ۲۰۱۶، حزب‌الله را به عنوان یک سازمان تروریستی محکوم کرد و نتانیاهو بیانیه اتحادیه عرب را تحسین نمود. شاخص دیگر برای نزدیکی عربستان سعودی با اسرائیل [رژیم صهیونیستی]، تغییر موضع آن نسبت به برنامه جامع اقدام مشترک است که در محاوره به عنوان توافق هسته‌ای ایران شناخته می‌شود. زمانی که ترامپ در مه ۲۰۱۸، به طور علنی تصمیم ایالات متحده آمریکا برای خروج از توافق هسته‌ای ایران را اعلام کرد، مورد تشویق شدید اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و عربستان قرار گرفت (بک^۳، ۲۰۱۹).

بلوک عربی به رهبری عربستان سعودی با ایران به‌ویژه بر سر یمن و لبنان وارد جنگ قدرت شده است. روابط در حال توسعه اسرائیل [رژیم صهیونیستی]، کشورهای عربی خلیج فارس و آمریکا به‌ویژه از طریق تحریم آمریکا علیه ایران با هدف منزوی کردن ایران و کاهش فعالیت اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و کشورهای عربی در منطقه است. در کنفرانس حمل و نقل بین‌المللی در عمان، رژیم صهیونیستی پروژه جدیدی به نام «راه آهن صلح» معرفی کرد؛ خط آهنی که برای حرکت از حیفا به دبی طراحی شده است. ادعا می‌شود مسیر خطوط اصلی و برخی از شاخه‌های فرعی که از اردن، عربستان سعودی و امارات عبور می‌کنند، جایگزینی برای تنگه هرمز و

-
1. N. Maher
 2. J. H. Ferziger & G. Bahgat
 3. M. Beck

باب‌المنذب خواهد بود که در صورت موفقیت‌آمیز بودن پروژه، منابع غنی نفتی خلیج فارس می‌توانند به دریای مدیترانه از طریق اسرائیل [رژیم صهیونیستی] بدون برخورد با مانع ایرانی در تنگه هرمز و خلیج عدن راه یابند (سینماز^۱، ۲۰۱۹: ۳).

«گازانسکی و مارشال»^۲ معتقد هستند ولیعهد امارات باید باور داشته باشد بهایی که در حوزه داخلی برای گشودن کشورش به روی اسرائیل [رژیم صهیونیستی] خواهد پرداخت کمتر از دستاوردهای پیش‌بینی شده است. اگرچه عموم مردم هنوز تمایل خاصی به رژیم صهیونیستی نشان نداده‌اند، بررسی‌های اخیر افکار عمومی نشان می‌دهد؛ افکار عمومی امارات در درجه اول نگران تهدید ایران است، درحالی‌که موضوع فلسطین در انتهای این فهرست قرار دارد. افکار عمومی عربستان سعودی نیز احساسات مشابهی دارد و علاوه بر این، امارات «توافق ابراهیم» را یک پیروزی دیپلماتیک با هدف خنثی کردن برنامه‌های اسرائیل [رژیم صهیونیستی] نشان می‌دهد (گازانسکی و مارشال، ۲۰۲۰: ۲).

توافق موسوم به ابراهیم، منافع امنیتی ناشی از مسئله ایران را مورد توجه قرار می‌دهد و از این طریق، کشورهای خلیج فارس را به اسرائیل [رژیم صهیونیستی] نزدیک‌تر می‌کند، همچنین منافع اقتصادی و استراتژیک را به همراه دارند. بندهای این توافق، همچنین به اسرائیل [رژیم صهیونیستی] دسترسی مستقیم و بی‌سابقه‌ای به شبه‌جزیره عربستان و خلیج فارس می‌دهند. از اوایل ۲۰۱۰م. به بعد، زمانی که بی‌ثباتی فزاینده در خاورمیانه [غرب آسیا] به نفع ایران بود، اما به ضرر شورای همکاری خلیج فارس، نزدیکی آشکار در زمینه مسائل امنیتی بین اسرائیل [رژیم صهیونیستی]، امارات و بحرین قابل تشخیص بود. تهران از ناکامی‌های آمریکا در ایجاد ثبات در عراق و تبدیل شورای همکاری خلیج فارس به یک مرجع منطقه‌ای چندجانبه که قادر به تضمین امنیت در منطقه است، سود برد. همچنین از فرصت‌های ایجادشده در منطقه توسط بهار عربی (بیداری اسلامی) برای تحکیم حضور خود در سوریه، عراق و کمتر به‌طور مستقیم در یمن استفاده کرده است (دازی-هنی^۳، ۲۰۲۰: ۳).

علی‌رغم قدرت عظیم نظامی آمریکا که برای سرنگونی رژیم صدام حسین پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳م. به کار گرفته شد، واقعیت‌ها در بین این همسایگان تا حد زیادی بدون تغییر

1. K. Sınmaz
2. Y. Guzansky & Z. A. Marshall
3. F. Dazi-Héni

باقی ماندند. قدرت (منطقه‌ای یا بین‌المللی)، چندقطبی بودن منطقه‌ای و رقابت خارجی برای نفوذ به‌عنوان موانع غیرقابل عبور برای هژمونی در خاورمیانه [غرب آسیا] عمل می‌کند.

«کتبی»^۱ تاکید دارد تهاجم به عراق باعث تعمیق شکاف‌ها و تغییرات در ساختار ژئوپلیتیکی جهان عرب شد و به ج.ا.ایران و متحدانش فرصت‌های استراتژیک جدیدی در عراق ارائه کرد و به‌دنبال وقایع موسوم به بهار عربی، تهران شروع به اعمال نفوذ فزاینده در پایتخت‌های عربی مانند بیروت، بغداد، دمشق و صنعا کرد. مرحله دوم در تحول سیاست خارجی امارات پس از بهار عربی -به‌ویژه در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱- آغاز شد. از زمان آغاز جنگ در یمن در سال ۲۰۱۵م. و امضای توافقنامه هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در ژوئیه همان سال، امارات منابع خود را بر مقاومت در برابر تهدیدات منطقه‌ای متمرکز کرده است (کتبی، ۲۰۲۰: ۷).

«گرینگ» بر این اعتقاد است که کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] هیچ مبنایی جز رقابت با ج.ا.ایران برای همکاری ندارند. این امر، به‌ویژه در مورد ایران که منبع انرژی ارزانی است، صادق است. جمعیت نسبتاً زیاد و تحصیل کرده ایران و موقعیت آن در خلیج فارس می‌تواند آن را به یک نقطه اتصال مهم برای طرح کمربند و جاده تبدیل کند (گرینگ، ۲۰۲۰: ۸۷).

یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم، درگیری در حال فوران بین اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و ایران، و همچنین بین ایران و کشورهای خلیج فارس بود. توافقنامه ابراهیم منافع امنیتی ناشی از مسئله ایران را مورد توجه قرار می‌دهد و از این طریق، دو کشور خلیج (امارات و بحرین) را به اسرائیل [رژیم صهیونیستی] نزدیک‌تر می‌کند. همچنین به رژیم صهیونیستی دسترسی بی‌سابقه‌ای به شبه‌جزیره عربستان و خلیج فارس می‌بخشد. مذاکرات هسته‌ای، ایران را به کانون نگرانی اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و کشورهای خلیج فارس بدل کرده است. درحالی‌که منافع اقتصادی این توافق مهم است؛ برای رژیم صهیونیستی، «چالش ایران» اولویت دارد (مایتال و بارزانی^۳، ۲۰۲۱: ۶).

از نظر «ری و وبر»^۴ (۲۰۲۰)، عامل ایران و رقابت عربستان و ایران حائز اهمیت است. اگر ائتلاف به رهبری عربستان سعودی اختلافات خود را با همسایه نزدیک خود حل‌وفصل نکند،

1. E. A.Ketbi
2. T. Gering
3. S. Maital & E. Barzani
4. M. Ray & D.Webber

ایران ممکن است به مزیت رقابتی دست یابد. توافق‌نامه ابراهیم با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا سبب گردید تا امارات متحده عربی اولین کشور خلیج فارس باشد که رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد و روابط اقتصادی و دیپلماتیک برقرار کند. این توافق شامل باز کردن سفارتخانه‌ها در کشورهای دیگر و اجازه تجارت آزاد است. این اقدام امارات به‌سرعت توسط بحرین و مراکش دنبال شد (ری و وبر، ۲۰۲۰: ۳).

به اعتقاد «هانلی»^۱، روابطی که طی سالیان متمادی بین عربستان سعودی و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] شکل گرفت، به دلیل تهدید فزاینده‌ای است که از سوی ایران در منطقه احساس شده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران، اعتراضات و شورش‌های شیعیان را در عربستان سعودی، بحرین و کویت تشویق کرد. حمایت ج.ا.ایران از حزب‌الله، بهار عربی (بیداری اسلامی) و جنگ سرد بین عربستان سعودی و ایران، وابستگی امنیت بحرین به عربستان و در نهایت، نقش ایران به‌عنوان دشمن منطقه‌ای مشترک بین عربستان و رژیم صهیونیستی (که تضاد کمتر و اشتراک بالاتر بین آنان را سبب گردیده بود)، مشوق این توافق بوده‌اند (هانلی، ۲۰۲۱: ۱).

به‌موجب توافق‌نامه ابراهیم، وتوی اعراب برای به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین در ازای به رسمیت شناختن اسرائیل [رژیم صهیونیستی]، عملاً پایان یافته است. این رژیم با امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی متحد شده است. راه‌حل دو دولت، عملاً منتفی شده است. فرایندهای صلح جامع چند سطحی و چندلایه هستند و شامل تلاش‌های عمل‌گرایانه برای ایجاد گسترده‌ترین اجماع ممکن پیرامون آینده‌ای مشترک است. با این حال، توافق‌نامه ابراهیم فاقد این بود؛ نخبه‌گرایانه و هم‌تحمیلی است (بقای و مهرین^۲، ۲۰۲۱: ۲).

رقابت چین و ایالات متحده در قرن جدید یکی از مهم‌ترین محرک‌های رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. چین یکی از قدرت‌های بزرگی است که پتانسیل تبدیل شدن به یک ابرقدرت و به‌چالش کشیدن موقعیت کنونی آمریکا را دارد. این موضوع، استراتژیست‌ها و مقامات آمریکایی را نگران کرده است. در نتیجه، در دهه دوم قرن بیست‌ویکم، ایالات متحده آمریکا برای مقابله با این تهدید بالقوه، تمرکز استراتژی امنیت ملی خود را از خاورمیانه [غرب آسیا] به شرق آسیا تغییر داد.

با عقب‌نشینی یا کاهش حضور آمریکا در منطقه، متحدان سنتی آمریکا مانند رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی از گسترش حوزه نفوذ رقبای ژئوپلیتیکی خود واهمه دارند و با توجه به تجربیات تاریخی منطقه و نفوذ ژئوپلیتیک ایران در شرایط کنونی، این کشورها را مجبور به همکاری دوجانبه و چندجانبه کرده است. اسرائیل [رژیم صهیونیستی] به‌طور سنتی استراتژی اتحاد پیرامونی را به‌عنوان مکمل استراتژی امنیت ملی خود انتخاب کرده است. با توجه به احتمال کاهش نیروهای نظامی در خاورمیانه [غرب آسیا]، به نظر می‌رسد توافق اعراب و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] در قالب توافق‌نامه صلح ابراهیم، نمایانگر یک هلال^۱ جدید با هدف کنترل و محدود کردن نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران باشد. از این‌رو، در صورت اجرایی شدن این پروژه، می‌توان انتظار ظهور یک هلال جدید منطقه‌ای با هدف کنترل و تضعیف ایران را داشت (قادری، جودی و حیدریان^۲، ۲۰۲۰: ۵).

«بیراک»^۳ اشاره می‌کند کشورهایی مانند ایران به‌دلیل نادیده گرفتن منافع فلسطینی‌ها، از عادی‌سازی وضعیت بین اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و کشورهای عربی استقبال نکردند. ضعف‌هایی در این توافق وجود دارد که ناشی از زمان‌بندی آن و تناقض آن با جامعه بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و نادیده گرفتن راه‌حل دو کشوری است. مسئله ایران اولین عاملی بود که کشورهای خلیج (فارس) هنگام تصمیم‌گیری در مورد عادی‌سازی یا عدم عادی‌سازی روابط با اسرائیل [رژیم صهیونیستی] به آن توجه کردند. ترامپ از توافق هسته‌ای ایران و آمریکا خارج شد، اما هنوز هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که آیا دولت بایدن از خط ترسیم‌شده توسط ترامپ پیروی کند یا خیر. اگر امارات موفق شود بند «عدم توافق با ایران» را در توافق‌نامه گنجانده باشد، این یک تعهد بین‌المللی خواهد بود. همان‌طور که ایالات متحده نمی‌خواهد ایران قدرتمند باشد، ممکن است مانند گذشته در راستای تحقق اهداف ملی خود، سود را در همکاری ببیند. همچنین، متقاعد کردن کشورها برای انجام تعهداتشان آسان نیست؛ زیرا عرصه بین‌المللی فاقد هرگونه مکانیسم اجرایی قطعی است (بیراک، ۲۰۲۱: ۱۱۰).

امارات، ارتباط بین توافق‌نامه ابراهیم و ایران را رد کرد. «انور قرقاش»^۴ وزیر سابق امور خارجه امارات متحده معتقد است که این توافق مابین امارات، اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و ایالات متحده

1 Rimland

2. M.G.H. Ghaderi Hajat, H. Joudi & S. Heydarian

3. P. Bayrak

4. Anwar M. Gargash

است و به‌هیچ‌وجه به معنای ایجاد نوعی گروه‌بندی علیه ایران نیست. چهار کشور بزرگ آسیایی شامل چین، ژاپن، هند و کره‌جنوبی روابط خوبی در هر دو طرف خلیج فارس و همچنین با اسرائیل [رژیم صهیونیستی] دارند. به‌جز چین، همه روابط مثبتی با ایالات متحده دارند. لحاظ نمودن ایران به‌عنوان بخشی از محاسبات اجتناب‌ناپذیر است، اما مهم است که اطمینان حاصل شود پویایی تجارت پروتق بین کشورهای خلیج فارس و آسیا به‌هیچ‌وجه مختل نشود؛ چین به‌طور خاص نگران این موضوع است. درحالی‌که چین توافق ابراهیم را یک فرصت می‌داند، می‌خواهد از منافع خود در ایران محافظت کند (کانال و جناردان^۱، ۲۰۲۱: ۸).

زه‌دی‌نسب و همکاران (۱۳۹۹) به‌عنوان راهکار مقابله با تبعات روابط بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، اتخاذ راهبردهایی مبتنی بر؛ توسعه توان دور ایستایی، خوداتکایی و خودکفایی در تولید تجهیزات دفاعی برترساز با توان بازدارندگی مؤثر، افزایش عمق دفاع راهبردی فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور، حمایت از جبهه مقاومت و تقویت نظریه مقاومت در بین کشورهای مسلمان منطقه را پیشنهاد می‌نمایند (زه‌دی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

۳-۲. مفهوم‌شناسی تحقیق

۳-۲-۱. امنیت ملی

اصطلاح «امنیت ملی»^۲ اولین بار توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، «تئودور روزولت»^۳ در سال ۱۹۰۴م. در نامه‌ای که به کنگره ایالات متحده آمریکا نوشته بود، استفاده شد (چرنیاوسکی و همکاران^۴، ۲۰۲۱). بااین‌حال، این اصطلاح در سال ۱۹۴۷م و با تصویب قانون امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در همان سال رسمیت یافت (الگولیو و همکاران^۵، ۲۰۲۱: ۲)

از دیدگاه سازمان ملل متحد، مفهوم «امنیت» برای قرن ۲۱ بدین شرح است که؛
(۱) امنیت نه‌تنها به کشور، بلکه به عموم مردم نیز اشاره دارد.

1. E. Canal & N. Janardhan

2. National Security

3. Theodore Roosevelt

4. S. Cherniavskyi, O. Dzhuzha, V. Babanina & Y. Harust

5. R. M. Alguliyev, Y. N. Imamverdiyev, R. S. Mahmudov & R. M. Aliguliyev

(۲) امنیت نه تنها از طریق در اختیار داشتن نیروی نظامی، بلکه از طریق توسعه نیز حاصل می‌شود.

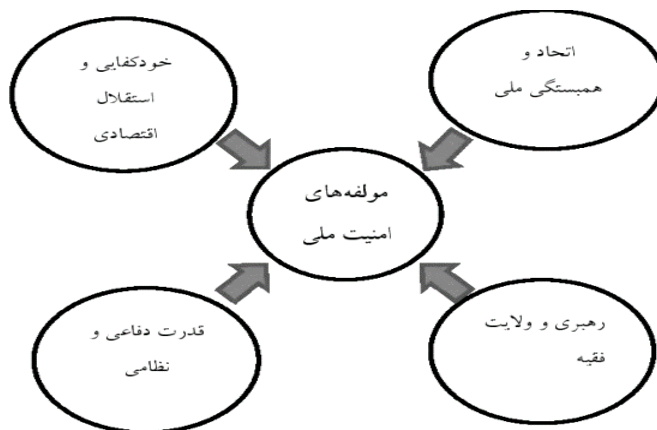
(۳) امنیت نه تنها به دولت، بلکه به اشخاص در خانه و محل کار نیز مربوط است.

(۴) امنیت حفاظتی در برابر درگیری‌ها نه تنها بین دولت‌ها بلکه بین ملت‌ها است (آلکایر^۱، ۲۰۰۳).

به‌طور خاص، مفهوم امنیت ملی به‌عنوان یک «اقدام هدفمند» تعریف می‌شود که در جهت «منافع»، «رفاه» و «نظم داخلی دولت» است (تیونس-ترینوسکیس و جفیموز^۲، ۲۰۱۲: ۱) از دیدگاه محمدی (۱۳۹۶)، امنیت ملی دارای ۴ بعد؛ خودکفایی و استقلال اقتصادی، اتحاد و همبستگی ملی، قدرت دفاعی و نظامی، و (جایگاه) رهبری و ولایت فقیه است. مقام معظم رهبری در خصوص پیوند میان ملت، رهبر و حفظ امنیت ملی می‌فرماید:

«...تا وقتی که این اصل نورانی (ولایت فقیه) در قانون اساسی هست و این ملت از بن دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های این‌ها ممکن است برای مردم دردسر درست کند، اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

شکل (۲)، چهار مؤلفه تشکیل‌دهنده امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲. مؤلفه‌های امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری (محمدی، ۱۳۹۶: ۸۱)

1. S. Alkire

2. J. Teivāns-Treinovskis & N. Jefimovs

۲-۳-۲. محور مقاومت

«محور مقاومت» به مجموعه‌ای از کشورها و گروه‌های مسلمان و شیعه گفته می‌شود که هدف آن‌ها عبارت‌است از:

(۱) پایان دادن به تسلط غرب در منطقه خاورمیانه [غرب آسیا] (سیرت، ۱۳۹۶: ۴۵)،

(۲) مبارزه با رژیم صهیونیستی،

(۳) دفاع از آزادی فلسطین (کریمی، ۱۳۹۶: ۸۰).

دولت‌های ایران، سوریه و عراق، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین مانند جهاد اسلامی و حماس، و همچنین گروه انصارالله یمن محور مقاومت دانسته می‌شوند (سیرت، ۱۳۹۶: ۵۰). به باور سید حسن نصرالله؛ «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر محور مقاومت است و ج.ا.ایران، قلب و پایه اصلی محور مقاومت است» (نصرالله، ۱۳۹۸).

۲-۳-۳. پیمان ابراهیم^۱

کشورهای منطقه نظیر امارات، بحرین، قطر و عمان طی سه دهه گذشته، روابط غیررسمی با رژیم صهیونیستی داشتند و حتی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی یک‌بار به عمان سفر کرد. لیکن تفاوت امارات و بحرین با دیگر کشورهای عرب منطقه، این است که روابط خودشان را رسمی کرده‌اند (عرب‌گری، ۱۴۰۰: ۹۸).

طی توافقات موسوم به «توافقات ابراهیم» که در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ با میانجی‌گری دونالد ترامپ^۲ منعقد شد، از این واژه همچنین برای موارد زیر استفاده گردید:

(۱) اشاره کلی به توافق‌نامه‌های صلح به‌ترتیب توافق‌نامه صلح رژیم صهیونیستی-امارات متحده عربی،

(۲) توافق‌نامه عادی‌سازی روابط بحرین-رژیم صهیونیستی.

از زمان صلح مصر در سال ۱۳۵۷ و صلح با اردن سال ۱۳۷۳، این اولین باری بود که یک کشور عربی با رژیم صهیونیستی روابط عادی برقرار می‌کرد. این توافق‌نامه زمینه‌ساز بروز روابط اقتصادی^۳ است که می‌تواند امنیت ملی ج.ا.ایران را از راه‌ها و روش‌های مختلف تحت‌الشعاع قرار دهند.

1. Abraham Accords
2. Donald Trump
3. Economic relations

۴-۳-۲. روابط سنتی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس

به‌کارگیری واژه رژیم صهیونیستی برای اولین بار، به امام خمینی (ره) نسبت داده می‌شود (فیاض‌منش^۱، ۲۰۰۸؛ بولتون^۲، ۲۰۰۷). برخی از محققان، فلسفه وجودی تشکیل اسرائیل را برآمده از نظریه «صهیونیسم» می‌دانند و از این رو، رژیم حاکم بر آن کشور را رژیم صهیونیستی می‌نامند (لیلیتال^۳، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

طرف دوم این رابطه، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌باشند. کشورهای خلیج فارس (یا: کشورهای عربی خلیج فارس / امیرنشین‌های منطقه خلیج فارس) به کشورها و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های خلیج فارس دارند (دائرة‌المعارف و یکی‌پدیا، ۲۰۲۲). از دیدگاه ژئوپلیتیک، این کشورها عبارتند از:

- (۱) ج.ا.ایران،
- (۲) عراق،
- (۳) کویت،
- (۴) عربستان،
- (۵) امارات،
- (۶) قطر،
- (۷) بحرین،
- (۸) عمان (صفوی، ۱۳۸۱: ۷۰).

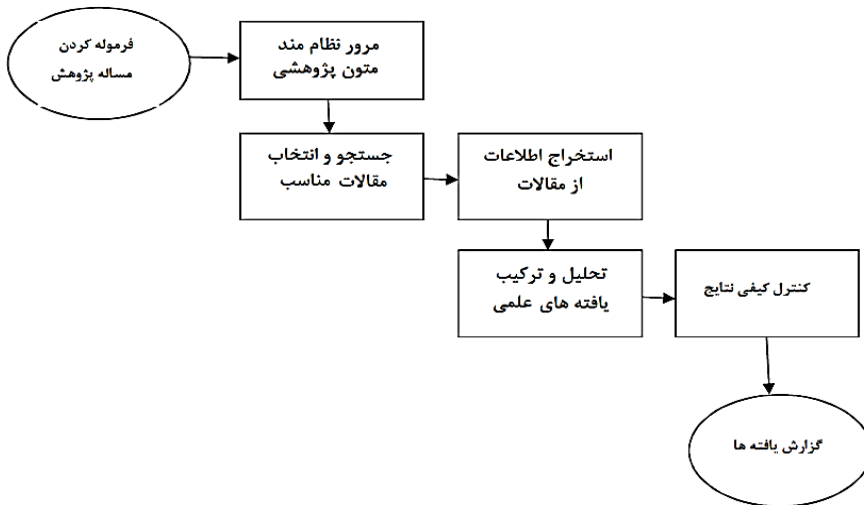
۳. روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر پژوهشی توسعه‌ای و توصیفی است و رویکرد کلی آن، «مطالعه کیفی» می‌باشد. انتخاب این رویکرد، بدین لحاظ صورت گرفته است که؛

- (۱) دانش موجود در زمینه مورد مطالعه اندک و پراکنده است (اینگبنور^۴، ۲۰۱۳: ۵۰)،
- (۲) محیط مؤثر بر پدیده قابل کنترل نبود،
- (۳) زمینه محیطی نیاز به شناسایی دارد (سون و مارریوت^۵، ۲۰۰۶: ۹۱).

-
1. S. Fayazmanesh
 2. J. Bolton
 3. Alfred. M. Lilienthal
 4. U. Inegbenbor
 5. D. D. Son, N. Marriott & P. Marriott

در این مطالعه، راهبرد «فراترکیب»^۱ برای تحلیل داده‌ها انتخاب شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر را پژوهش‌ها، منابع اطلاعاتی داخلی و خارجی در زمینه روابط اقتصادی بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی تشکیل می‌دهند که به ج.ا.ایران اشاره نموده بودند. روش نمونه‌گیری، رویکرد هدفمند است. گام‌های رویکرد فراترکیب، در شکل (۳) ارائه شده است.



شکل شماره ۳. رویکرد کلی مطالعه مبتنی بر فراترکیب (زیمار^۲، ۲۰۰۶: ۳۱۰)

گام‌های رویکرد فراترکیب در این پژوهش دارای دو مرحله اساسی است:

الف. فرموله کردن مسئله پژوهش

تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟

ب. مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش^۳

مرور نظام‌مند متون پژوهشی در ۵ مرحله انجام می‌پذیرد که مشتمل است بر:

- (۱) تدوین سؤال برای مرور متون،
- (۲) شناسایی متون مرتبط،
- (۳) ارزیابی کیفیت مطالعات،

(۴) خلاصه‌سازی شواهد،

(۵) تفسیر یافته‌ها (کان و همکاران^۱، ۲۰۰۳: ۷۵).

در این راستا، جست‌وجوی پایگاه‌های داده‌ای در دستور کار پژوهش قرار گرفته و در کنار «گوگل اسکالر»^۲، چهار پایگاه داده‌ای دیگر یعنی؛ «اسکوپوس»^۳، «آی تریپل ای اکسپلور»^۴، «ساینس دایرکت»^۵ و «جی استور»^۶ جست‌جو شد.

جدول شماره ۱. نتایج جستجوی کلیدواژگان			
ردیف	پایگاه داده‌ای	کلیدواژگان	تعداد یافته‌ها
۱	گوگل اسکالر (لاتین)	Israeli-Arab Relationships Abraham Accords Abraham Accords +Iran	۵۱۴
۲	گوگل اسکالر (فارسی)	روابط اعراب و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] روابط اعراب خلیج فارس + رژیم صهیونیستی اعراب+اسرائیل [رژیم صهیونیستی] + ایران	۵۷
۳	ساینس دایرکت	Israeli-Arab Relationships Abraham Accords Abraham Accords +Iran	۳۶
۴	آی تریپل ای اکسپلور	Abraham Accords	۷۱
۵	جی استور	Israeli-Arab Relationships Abraham Accords Abraham Accords +Iran	۱۹۷
مجموع			۸۷۵

در نخستین گام، فهرست رکوردها مورد بررسی قرار گرفت و از بین آنان، مواردی که تکراری بوده، یا همپوشانی داشتند و همین‌طور دسترسی به فایل کامل آن مقدور نبود، حذف گردیدند و در نهایت، تعداد ۸۷۵ مستند (شامل مقالات و فصول کتاب) در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و با تمرکز بر روابط بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی شناسایی شد.

1. K. S., Khan, R. Kunz, J. Kleijnen, & G. Antes
2. Google Scholar
3. Scopus
4. IEEE Xplore
5. Sciencedirect
6. JSTOR

در گام دوم، مطالعهٔ چکیده مقالات و فصول انجام شد و بر اساس اشاره به مفهوم دفاع ملی، تعداد مستندات به ۷۶ مورد کاهش یافت که در بین آنان کلیدواژه «ایران» وجود داشت. در نهایت، با مطالعه متون مستندات، «اشاره به تأثیر و تأثر ج.ا.ایران از روابط اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و ج.ا.ایران» به عنوان معیار ورود^۱ به فاز تحلیل و «عدم لحاظ نمودن امنیت ملی ج.ا.ایران» به عنوان معیار خروج^۲ مستندات در نظر گرفته شد. در انتهای این گام تعداد ۲۲ مستند باقی ماند. برای انجام کدگذاری‌ها از نرم‌افزار اطلس. تی. آی نسخه ۷ استفاده شد. شیوهٔ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی برای این مطالعه انتخاب شد. کدگذاری باز فرایندی است که در آن، داده‌ها به واحدهای معنایی مشخص طبقه‌بندی می‌شوند (گولدینگ^۳، ۲۰۰۰: ۸۰) و کدگذاری محوری عبارت است از:

«مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها که در آن، داده‌ها پس از کدگذاری باز به شیوه‌ای در کنار هم قرار داده می‌شوند که ارتباط بین آنان برقرار گردد (استراس و کرین^۴، ۱۹۹۰: ۱۲). در نهایت، به هنگام اجرای کدگذاری انتخابی که گام نهایی در فرایند تحلیل می‌باشد، یکپارچه‌سازی مفهوم حول یک پدیده محوری انجام یافته و توسعه و پالایش طبقات^۵ انجام می‌پذیرد (هانسن و واگنر^۶، ۲۰۱۱: ۶۱). در این مرحله، نظریه مورد پالایش قرار گرفته و به‌طور یکپارچه ارائه می‌گردد (هیوز و کلايست^۷، ۲۰۰۵: ۵۹).

۴. یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

در نخستین گام از تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز متون انجام یافته است. خلاصه نتایج این فعالیت در جدول (۲) ارائه شده و در پیوست (۱) به‌طور کامل تشریح گردیده است. بررسی کدهای باز مشخص می‌نماید که در بین آنان^۸ برخی از موارد دارای همپوشانی بوده و می‌توان از طریق ادغام آن‌ها به فهرست محدودتر و روشن‌تری از مفاهیم دست‌یافت. در گام دوم، روابط اقتصادی بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی به عنوان طبقه محوری در

-
1. Inclusion Criteria
 2. Exclusion Criteria
 3. C. Goulding
 4. A. L. Strauss & J. M. Corbin
 5. Categories
 6. T. G. Thomsen, S. R. Hansen & L. Wagner
 7. F. R. Hughes & D. M. Kleist

نظر گرفته شده و سایر طبقات حول آن توسعه داده شده‌اند. در گام نهایی از تحلیل، کدگذاری انتخابی صورت گرفته است. از نتیجه این بخش از فعالیت‌های تحلیلی، مدل نهایی پژوهش حاصل می‌گردد. نتایج کدگذاری انتخابی در جدول (۲) ارائه گردیده است. در پیوست، خلاصه نتایج نهایی تحلیل داده‌ها طی مراحل سه‌گانه آن ارائه گردیده است.

جدول شماره ۲. خلاصه نتایج کدگذاری محوری		
ردیف	طبقه اصلی	نمونه کدهای باز
۱	روابط اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی	انتقال منابع نفتی از طریق هلال عربی-عبری
۲		ایجاد ائتلاف عربی-عبری-غربی
۳		ایجاد جایگزین برای تنگه باب‌المندب
۴		ایجاد جایگزین برای تنگه هرمز
۲۰	مؤلفه جایگاه رهبری و ولایت فقیه امنیت ملی	عادی‌سازی به‌عنوان رویکردی ضد وحدت
۲۱		مسئله فلسطین به‌عنوان شاخص اتحاد شیعه و سنی
۲۲	مؤلفه اتحاد و همبستگی ملی امنیت ملی	تضاد هویتی
۲۳		توسعه پان‌عربیسم
۲۴		کسب مشروعیت برای فعالیت‌های ج.ا.ایران در منطقه
۲۵		ارزانی منابع انرژی ایران برای چین
۲۶	مؤلفه خودکفایی و قدرت اقتصادی امنیت ملی	برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران
۲۷		تحریم‌های آمریکا علیه تهران
۳۷	مؤلفه قدرت دفاعی و نظامی امنیت ملی	امنیت تنگه هرمز
۳۸		امنیت دریای عمان
۳۹		توسعه ایران هراسی
۵۳	راهبردهای مقابله	افزایش عمق دفاع راهبردی
۵۴		ایجاد تمدن نوین اسلامی
۵۶		بازدارندگی
۵۷		برتری راهبردی در منطقه

در جدول (۳)، نتایج کدگذاری انتخابی ارائه شده است.


جدول شماره ۳. نتایج کدگذاری انتخابی	
طبقه اصلی	طبقه فرعی
روابط اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی	انتقال کالا و انرژی
	سیاست‌گذاری اقتصادی
	اطلاعات
	سرمایه‌گذاری

جایگاه رهبری و ولایت فقیه	حوزه‌های تأثیرپذیر امنیت ملی
اتحاد و همبستگی ملی	
خودکفایی و قدرت اقتصادی	
قدرت دفاعی و نظامی	راهبردهای مقابله
راهبردهای وحدت اسلامی	
راهبردهای دفاعی	
همکاری‌های راهبردی	
راهبردهای سیاسی	
توسعه نفوذ منطقه‌ای	

در جدول (۴) مدل مستخرج از تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

جدول شماره ۴. مدل مستخرج از تحلیل داده‌ها (یافته‌های نگارندگان)			
داده‌های استخراجی	طبقه فرعی	طبقه محوری داده‌ها	ردیف
انتقال منابع نفتی از طریق هلال عربی-عبری	انتقال کالا و انرژی	روابط اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی	۱
تأمین انرژی در خلیج فارس			
ایجاد جایگزین برای تنگه باب‌المندب			
ایجاد جایگزین برای تنگه هرمز			
تأسیس خط راه‌آهن بین رژیم صهیونیستی و شبه‌جزیره عربستان			
تسهیل انتقال کالا برای رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس			
تسهیل حمل‌ونقل			
یجاد ائتلاف عربی-عبری-غربی	سیاست‌گذاری اقتصادی		
نادیده گرفتن فلسطینیان			
نقش میانجی عربستان			
کاهش خصومت‌های پیشین			
تقابل با برجام			
به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی			
روابط بین مقامات عربی باشخصیت‌های یهودی در ایالات‌متحده			

اشتراک اطلاعاتی	اطلاعات		
روابط امنیتی			
↓			
عادی‌سازی به‌عنوان رویکردی ضد وحدت	جایگاه رهبری و ولایت فقیه	اتحاد و همبستگی ملی	۲
مسئله فلسطین به‌عنوان شاخص اتحاد شیعه و سنی			
تضاد هویتی	اتحاد و همبستگی ملی	حوزه‌های تأثیرپذیر امنیت ملی	
توسعه پان‌عریسم			
کسب مشروعیت برای فعالیت‌های ج.ا.ایران در منطقه			
ارزانی منابع انرژی ایران برای چین	خودکفایی و قدرت اقتصادی		
برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران			
تحریم‌های آمریکا علیه تهران			
تعامل رژیم صهیونیستی با چین			
تعامل رژیم صهیونیستی با روسیه			
جاه‌طلبی دیپلماتیک چین در خاورمیانه			
حذف خلیج فارس از مسیر تعاملات			
خروج آمریکا از برجام			
تلاش برای منزوی ساختن ایران			
مقابله با پیشروی چین در منطقه			
کسب مزیت رقابتی برای ج.ا.ایران	قدرت دفاعی و نظامی		
امنیت تنگه هرمز			
امنیت دریای عمان			
توسعه ایران‌هراسی			
حفظ حضور ایالات‌متحده در خاورمیانه			
دسترسی رژیم صهیونیستی به خلیج عدن			
دسترسی رژیم صهیونیستی به خلیج فارس			
دسترسی رژیم صهیونیستی به شبه‌جزیره عربستان			
تلاش برای سرکوب محور مقاومت			
کاهش نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران توسط آمریکا			
عدم تضمین اجرای توافقات			

<p>عملیات مشترک علیه نیروهای تحت حمایت ایران</p> <p>کاستن از نفوذ ج.ا.ایران در شورای همکاری خلیج فارس</p> <p>گروه‌بندی علیه ایران</p> <p>مطرح کردن اتهامات بر علیه ایران</p> <p>نبردهای نیابتی</p> <p>ورود کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به جنگ یمن</p>			
			
<p>ایجاد تمدن نوین اسلامی</p> <p>ایجاد نفوذ برای ج.ا.ایران بین افکار عمومی کشورهای عرب</p> <p>پذیرش اقدامات جبرانی</p> <p>تقویت اتحاد اسلامی</p> <p>تقویت نظریه مقاومت</p> <p>اتحاد شیعه و سنی</p> <p>بازدارندگی</p> <p>افزایش عمق دفاع راهبردی</p> <p>برتری راهبردی در منطقه</p> <p>تثبیت قدرت ج.ا.ایران</p> <p>حضور ج.ا.ایران در عراق</p> <p>حضور ج.ا.ایران در سوریه</p> <p>خودکفایی در تولید تجهیزات دفاعی</p> <p>توسعه توان دور ایستایی</p> <p>بازدارندگی</p> <p>افزایش عمق دفاع راهبردی</p> <p>پیمان استراتژیک چین و ایران</p> <p>تعدیل هژمونی آمریکا در خاورمیانه توسط چین</p> <p>همکاری ج.ا.ایران و چین در حوزه امنیت</p> <p>همکاری ج.ا.ایران و چین در حوزه انرژی</p> <p>همکاری ج.ا.ایران و چین در حوزه تجارت</p>	<p>راهبردهای وحدت اسلامی</p> <p>راهبردهای دفاعی</p> <p>همکاری‌های راهبردی</p>	<p>راهبردهای مقابله</p>	<p>۳</p>

همکاری ج.ا.ایران با ترکیه			
همکاری ج.ا.ایران با روسیه			
تأمین امنیت حمل و نقل			
بهبود توانایی هسته‌ای ج.ا.ایران			
افزایش قدرت گفتمانی/سیاسی	راهبردهای سیاسی		
ممانعت از شکل‌گیری ائتلاف عربی			
عمل‌گرایی			
حمایت ج.ا.ایران از حزب‌الله	توسعه نفوذ منطقه‌ای		
حمایت ج.ا.ایران از حماس			
نفوذ ج.ا.ایران در عراق			
نفوذ ج.ا.ایران در یمن			

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهایی

پژوهش حاضر خواستار بررسی تأثیر روابط اقتصادی بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران بوده است؛

در پاسخ به سؤال فرعی اول، یعنی تأثیر روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر مؤلفه جایگاه رهبری و ولایت‌فقیه امنیت ملی، تأثیری قابل تأمل است. به طوری که مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) عادی‌سازی روابط را به‌عنوان رویکردی ضد وحدت اسلامی دانسته و از مسئله فلسطین به‌عنوان شاخص اتحاد شیعه و سنی یاد می‌نماید. از این منظر، عادی‌سازی روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌تواند از طریق تضعیف جایگاه رهبری و ولایت‌فقیه به کاهش اتحاد بین شیعه و سنی منجر گردیده و از آن طریق، به امنیت ملی خلل وارد نماید.

در مورد مؤلفه دوم امنیت ملی، مشخص گردید تأثیر این روابط بر اتحاد و همبستگی ملی، هم جنبه‌های منفی مانند تضاد هویتی و توسعه پان‌عربیسم و هم جنبه مثبت مانند کسب مشروعیت برای فعالیت‌های ج.ا.ایران در منطقه دارد.

مؤلفه سوم امنیت ملی (خودکفایی و قدرت اقتصادی ج.ا.ایران) به واسطه روابط اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این تأثیر ناشی از عوامل زیر است:

- (۱) ارزانی منابع انرژی ایران برای چین،
- (۲) برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران،
- (۳) تحریم‌های آمریکا علیه تهران،
- (۴) تعامل رژیم صهیونیستی با چین،
- (۵) تعامل رژیم صهیونیستی با روسیه،
- (۶) خروج آمریکا از برجام و ...

بررسی تأثیر این روابط بر قدرت دفاعی و نظامی مشخص کند که سازوکار این تأثیر شامل

مسائل زیر است؛

- الف. امنیت تنگه هرمز،
 - ب. امنیت دریای عمان،
 - پ. توسعه ایران‌هراسی،
 - ت. حفظ حضور ایالات متحده در خاورمیانه (غرب آسیا)،
 - ث. دسترسی رژیم صهیونیستی به خلیج عدن،
 - ج. دسترسی رژیم صهیونیستی به خلیج فارس و ...
- در این مطالعه، راهبردهای آثار یادشده بر امنیت ملی ج.ا.ایران در ۵ دسته طبقه‌بندی شدند که به شرح زیر می‌باشند:

- (۱) راهبردهای دفاعی،
- (۲) توسعه نفوذ منطقه‌ای،
- (۳) همکاری‌های راهبردی،
- (۴) راهبردهای سیاسی،
- (۵) راهبردهای وحدت اسلامی.

۲-۵. پیشنهادات

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد به مسائل زیر توجه شود:

- خلق همکاری‌های بدیل برای بهره‌مندی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس؛

- بررسی سود و زیان روابط با روسیه در کاستن از نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه،
- شناسایی کاستی‌های اقتصادی و توسعه‌ای کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و تلاش برای تمرکز و سرمایه‌گذاری در آن زمینه‌ها؛
- توسعه توانمندی‌های مقابله‌ای با رژیم صهیونیستی از طریق توسعه اتحادهای راهبردی با کشورهای محور مقاومت؛
- کاستن از حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه با شناسایی انگیزه‌های همکاری و توسعه مشوق‌های اقتصادی بین‌المللی.

منابع

الف- فارسی

- احمدی، وحید (۱۳۹۸). «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن سابق)*، ۹ (۳)، ۲۴-۵۳.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (بی‌تا). *بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا (مدظله‌العالی)*، قابل دسترس در: www.khamenei.ir.
- بورس‌ان، محمد (۱۴۰۱). «خطر عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] برای ایران»، *خبرگزاری ایلنا*، قابل دسترسی در: <https://www.ilna.ir/8/1254850>.
- بی‌نام. (۱۴۰۰). «ارتش اسرائیل [رژیم صهیونیستی] یک ارتش هالیوودی ناتوان است؛ آیت‌الله خامنه‌ای حسین زمان است»، *خبرگزاری ایسنا*، تاریخ دریافت: ۱۲ مرداد ۱۴۰۰، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98061909243>.
- بی‌نام. (۱۴۰۰). «رشد حجم تجارت اسرائیل [رژیم صهیونیستی] و اعراب پس از عادی‌سازی روابط»، *خبرگزاری ایلنا*، تاریخ دریافت: ۱۰ آذر ۱۴۰۰، قابل دسترسی در: <https://www.ilna.news/>
- زهدی‌نسب، یعقوب؛ قنبری‌جهرمی، محمدحسین؛ و محمودی‌طولش، ساسان (۱۳۹۹). «سیاست‌های دفاعی ج.ا.ایران در مقابل همکاری‌های احتمالی دفاعی رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۸ (۴)، ۱۶۱-۱۸۲.
- صفوی، سیدمحسن (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ضرغامی خسروی، سامان؛ ذاکریان، محمد؛ و برزگر، کیهان (۱۳۹۹). «تأثیر پروژه ایران‌هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل [رژیم صهیونیستی]»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۶ (۴)، ۸۶-۶۷.
- عربگری، محمد (۱۴۰۰). «بررسی عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] (امارات و بحرین) و پیامدهای آن بر منطقه»، *دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/200179>

- کریمی، محسن (۱۳۹۶). *محور مقاومت اسلامی: ابعاد و مؤلفه‌ها*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- لیلیانتال، آلفرد. م. (۱۳۷۹). *ارتباط صهیونیستی*. ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محمدی، سیرت (۱۳۸۹). «الگوی نمایش نقش امنیت‌آفرین شهیدان محور مقاومت در رسانه ملی»، (صص ۵۶-۳۴)، *در مجموعه مقالات دومین کنفرانس شهادت و رسانه*. مرکز پژوهش‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی، محمد (۱۳۹۶). *مؤلفه‌های امنیت ملی*. قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/20144>

ب- انگلیسی

- Alguliyev, R. M., Imamverdiyev, Y. N., Mahmudov, R. S., & Aliguliyev, R. M. (2021). "Information security as a national security component", *Information Security Journal: A Global Perspective*, 30 (1), 1-18 .
- Alkire, S. (2003). *A Conceptual Framework for Human Security*. Working Papers, CRISE: Department of International Development, University of Oxford.
- Baqai, H., & Mehreen, S. (2021). "Abraham Accords :A Journey From Arab-Israeli to Palestinian-Israeli Conflict", *Journal of Independent Studies & Research: Management & Social Sciences & Economics*, 19 (1), DOI: <https://doi.org/10.31384/jisrmsse/2021.19.1.8>.
- Bayrak, P. (2021). "Abraham Accords: Palestine issue should be addressed for a peaceful Middle East", *Cappadocia Journal of Area Studies*, 3 (1), 104-115 .
- Beck, M. (2019). "Israel and the Arab Gulf: An Israeli-Saudi alliance in the making", *E-International Relations*, Available at: <https://www.e-ir.info/2019/11/08/israel-and-the-arab-gulf-an-israeli-saudi-alliance-in-the-making/>.
- Bolton, J.(2007). *Surrender Is Not an Option: Defending America at the United Nations and Abroad*. New york: Simon & Schuster, ISBN 1-4165-5284-7.
- Canal, F. A., Eric, & Janardhan, N. (2021). "The Abraham Accords: Exploring the Scope for Plurilateral Collaboration among Asia's Strategic Partners", *Israel Journal of Foreign Affairs*, 15 (1), 41-52.
- Cherniavskiy, S., Dzhuzha, O., Babanina, V., & Harust, Y. (2021). "System of ensuring the economic security of the state: World experience and ways of its reform in Ukraine", *Journal of Gender and*

Interdisciplinarity, 28 (4), 157-168, Available at: DOI:10.37635/jnalsu.28(4).2021.157-168.

- Dazi-Héni, F. (2020). “The Gulf States and Israel after the Abraham Accords”, *Arab Reform Initiative*, Available at: <https://www.arab-reform.net/publication/the-gulf-states-and-israel-after-the-abraham-accords/>.
- Fayazmanesh, Sasan (2008). *The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment*. Routledge. ISBN 0-415-77396-2.
- Ferziger, J. H., & Bahgat, G. (2020). *Israel's Growing Ties with the Gulf Arab States*: Atlantic Council.
- Gering, T. (2020). “China’s View of the Abraham Accords”, *The Jerusalem Institute of Strategy and Security*, 15 (2), 189-204, Available at: <https://jiss.org.il/en/gering-chinas-view-of-the-abraham-accords/>.
- Ghaderi Hajat ,M. G. H., Joudi, H., & Heydarian, S. (2020). “Geopolitical Explanation of the Reconstruction of the Rimland within the Abraham Accords framework”, *Political Spatial Planning*, 3 (1), 31-41.
- Goulding, C. (2000). “Grounded Theory Methodology and Consumer Behaviour, Procedures, Practice and Pitfalls”, *Advances in consumer research*, 27 (1), 261-266.
- Guzansky, Y., & Marshall, Z. A. (2020). “The Abraham Accords: Immediate significance and long-term implications”, *Israel Journal of Foreign Affairs*, 14 (3), 379-389.
- Hanley, K. (2021). *Interests and Gains: Conditions for the Abraham Accords*.
- Hughes, F. R., & Kleist, D. M. (2005). “First-semester experiences of counselor education doctoral students”, *Counselor Education and Supervision*, 45 (2), 97-108 .
- Hughes, L. (2019). “Evolving US strategic interests in the Middle East: Saudi Arabia and Iran”, *Future Directions International*.
- Imran, S., Bacha, S., & Khan, Z. (2020). “Cooperation in Israeli–Saudi Relations: Impact on Iran in the Middle East”, *Global Social Sciences Review*, V (II), 394-400.
- Inegbenebor, U. (2013). “Analyzing and Interpreting Research in Health Education”, *International Journal of Basic, Applied and Innovative Research*, 2 (4), 125-130 .
- Ketbi, E. A. (2020). “Contemporary Shifts in UAE Foreign Policy: From the Liberation of Kuwait to the Abraham Accords”, *Israel Journal of Foreign Affairs*, 14 (3), 391-398.
- Khan, K. S., Kunz, R., Kleijnen, J., & Antes, G. (2003). Five steps to conducting a systematic review. *Journal of the Royal Society of Medicine*, 96(3), 118-121 .
- Lloyd, D. (2007). Exploring students' futures images. In *Contemporary Qualitative Research* (pp. 59-68): Springer.

- Maher, N. (2020). Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East. *Review of Economics and Political Science* .
- Maital, S., & Barzani, E. (2021). *The Economic Impact of the Abraham Accords After One Year: Passions vs. Interests* .
- Ray, M., & Webber, D. (2020). From Oslo Accords to Abraham Accords. *International Journal of Research in Innovative Multidisciplinary Studies Dec*, 1-6 .
- Sinmaz, K. (2019). *New Period and Possible Results in the Israeli-Gulf Relations*, (3), Available at:<https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net>
- Son, D. D., Marriott, N., & Marriott, P. (2006). “Users' perceptions and uses of financial reports of small and medium companies (SMCs) in transitional economies: Qualitative evidence from Vietnam”, *Qualitative Research in Accounting & Management*, (3), 218-235.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (1990). *Basics of qualitative research* (Vol. 15): Sage Newbury Park, CA.
- Teivāns-Treinovskis, J., & Jefimovs, N. (2012). “State National Security: Aspect of Recorded Crime”, *Journal of Security & Sustainability Issues*, 2 (2), 41-48.
- Thomsen, T. G., Hansen, S. R., & Wagner, L. (2011). “How to be a patient in a palliative life experience? A qualitative study to enhance knowledge about coping abilities in advanced cancer patients”, *Journal of psychosocial oncology*, 29 (3), 254-273.
- Tremaine, R. L. (1998). “The Historical Impediments to Arab-Israeli Peace and the Role for the United States”, *Defense Technical Information Center*, <https://apps.dtic.mil/sti/citations/ADA341459>.
- Zimmer, L. (2006). “Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts”, *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318.